

دعا و آثار آن

ابوالفضل عابدینی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

است [مجلسی، بحارالانوار، ج ۹، ۳۴۱؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲،

۴۶۸].

آن حالت روحی که میان انسان و معبودش رابطه انس ایجاد می‌کند و کشش برقرار می‌سازد، نیایش نامیده می‌شود.

درک ما، مشاعر ما، تخیل ما، تفکر ما، وجدان باعظمت‌تر از جهان هستی ما، همگی و همگی در حال نیایش درهم می‌آمیزند، و اقیانوس جان ما را می‌شورانند. این هیجان و شورش آنچنان هماهنگ، باعظمت و جدی انجام می‌گیرند که نه تنها درون ما را از هرگونه آلودگیها پاک می‌کنند، بلکه احساس می‌کنیم که نور خداوندی در آن فروزان شده است [جعفری، نیایش حسینی(ع)، ۱۶].

«نیایش، اصولاً کشش روح است، به سوی کانون غیرمادی جهان. نیایش عبارت از تضرع، ناله مضطربانه و طلب یاری و گاهی یک حالت کشف و شهود روشن و آرام درونی و مستمر و دورتر از اقلیم همه محسوسات است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که نیایش، پرواز روح است به سوی خدا؛ و یا حالت پرستش عاشقانه‌ای است، نسبت به آن مبدئی که معجزه حیات از

دعا و نیایش در تعلیمات اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. قسمت عمده عبادات اسلامی را دعا و نیایش تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که روح عبادت، دعا شمرده شده است. پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «افزعوا الی الله عزوجل فی حوائجکم والجاؤوا الیه فی ملماتکم و تضرعوا الیه، فأن الدعاء مخ العبادة» (در نیازهای خود به هنگام بروز مشکلات از خداوند مدد بطلبید. و در سختیها به او پناه ببرید. و در پیشگاه او تضرع و دعا کنید، زیرا دعا روح و مغز عبادت است) [مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ۳۰۲].

در حدیث دیگری، پیامبر اسلام(ص) دعا را به عنوان اسلحه مؤمن، ستون خیمه دین و نور آسمانها و زمین، معرفی کردند و فرمودند: «الدعاء سلاح المؤمن و عمودالدین و نور السماوات و الارض» [کلینی، اصول کافی، ج ۲، حدیث ۱].

امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «الدعاء مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح» (دعا کلیدهای پیروزی و وسیله‌های رستگاری

ارکان و عناصر دعا در اسلام

در این قسمت، عناصری که دعای اسلامی را تشکیل می‌دهند و به آن ارزش و زیبایی می‌بخشند، به اختصار بیان می‌شوند.

۱. فصاحت و بلاغت زبان

متون دعاهای اسلامی، از زیباترین متون ادبی و هنری، عالیترین نثر در زبان، و نمونه بهترین بهره‌گیری از فصاحت و بلاغت در بیان است. این اوصاف نشان می‌دهد که اسلام به زیبایی و به ارزش هنر - البته هنری که در خدمت تکامل روح بشر باشد - نه تنها اهمیت می‌دهد، بلکه فراوان به استفاده از آن تأکید می‌کند [جعفری، نیایش حسین(ع)، ۶۷].

دعاهایی که از بزرگان دین و پیشوایان ما صادر شده، ریشه و منشأ آنان بیشتر از قرآن، حدیث قدسی و الهامات غیبی است. لذا، هم به دلیل تأسی از قرآن و هم به دلیل اینکه خود این بزرگان سرچشمه فصاحت و بلاغت بودند، دعاهای منثور نیز از زیبایی کلام و ظرافتهای هنری موج می‌زند.

۲. موسیقی کلام، کلمه - جمله و تمام متن

هر دعا سه آهنگ جدا از هم دارد. کلمات از نظر اشتقاق و از نظر سجع، با هم هماهنگی دارند، و نیز هر کلمه از نظر حروف تشکیل دهنده‌اش، دارای آهنگ حساب شده‌ای است. در تمام دعاهای، این آهنگ زیبا به چشم می‌خورد. نمونه بارز آن، در دعای «جوشن کبیر» مشهود است.

۳. عنصر فکری و عقیدتی در دعاهای اسلامی

او سر زده است. و بالاخره، نیایش نمودار کوشش انسان است برای ارتباط با آن وجود نامرئی؛ آفریدگار همه هستی، عقل کل، قدرت مطلق، خیر مطلق، پدر و منجی هر یک از ما [کارل، نیایش، ۱۵].

دکتر الکسیس کارل، فیزیولوژیست بزرگ و برنده جایزه نوبل در قرن بیستم، وقتی از نیایش سخن می‌گوید، آن را مظهر یک احساس و اشراق، و عالیترین تجلی روح و معنویت انسان برمی‌شمرد.

وی بر اساس مطالعات علمی و تجربیات مستقیم بر روی بیمارانش، به جایی می‌رسد که این حکم را به عنوان یک حکم علمی - و نه به عنوان تبلیغ دینی - صادر می‌کند: «نیایش همچون نفس کشیدن و خوردن و آشامیدن، از نیازهای ژرفی است، که از عمق سرشت و فطرت طبیعی انسان سر می‌زند. خوردن، نمودن، تکثیر نسل و نیاز، چهار بعد اساسی روح انسان هستند [کارل، نیایش، ۱۳۱]. و در جایی دیگر می‌گوید: «هیچ ملتی در تاریخ و هیچ تمدنی در گذشته به زوال قطعی فرو نرفت، مگر آنکه پیش از آن، «سنت نیایش» در میان آن قوم ضعیف شده بود» [کارل، نیایش، ۲۷].

به هر حال، دعا و نیایش در هر زمان خوب و سازنده است، ولی به هنگام انجام کارهای مهم که انسان نیازمند نیرو و توان بیشتری است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

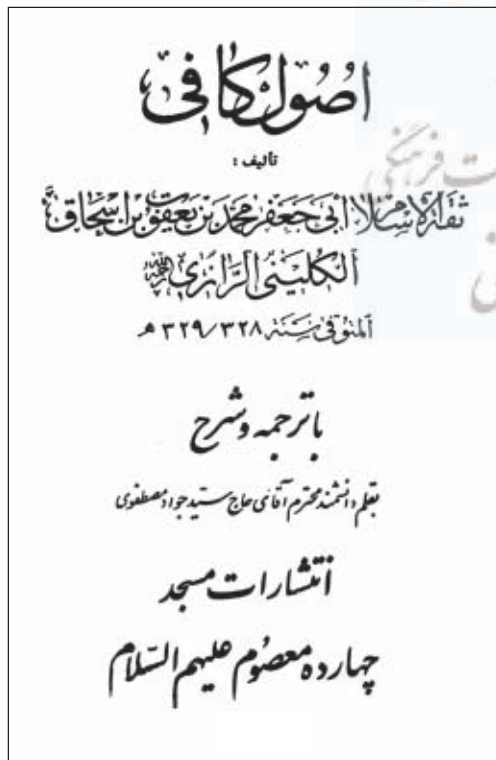
مولای متقیان علی(ع) در این باره می‌فرماید: «آن کس که به شدت گرفتار دردی است، نیازش به دعا بیشتر از تندرستی است» [دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۳۰۲].

دعاهای اسلامی

دعاهای اسلامی دو بخش دارد:

بخش اول که جالب‌ترین و شیواترین بخش دعا به شمار می‌رود، خطاب به خداوند است. در این خطاب اموری همچون: صفات خداوند و مقام خداوند، ذات خداوند، رابطه خداوند با کائنات، رابطه خداوند با انسان، رابطه فرد با خداوند و کیفیت اداره و تدبیر خداوند، از زبان دعا کننده بیان می‌شود؛ به طوری که اگر خطابه را برداریم، یک کتاب فلسفی درباره خداشناسی می‌شود.

بخش دوم، به خواستن می‌پردازد. این خواستنها، مطالبه نیاز مادی به آن شکلی که در میان ما رایج است، نیست؛ بلکه خواهی پسندیده و فضیلت‌های انسانی، و اعلام چیزهایی است که وسیله سعادت جامعه است، همچون: خوشبختی شخص، خانواده و جامعه‌اش، دوری از پستی و نجات از انحطاط. البته، اگر شکل دعایی را هم از آنها برداریم، باز هم دستور اخلاقی و قانون



طهارت روح

المؤلف: سید محمد باقر صدر ۱۳۲۸/۳/۲۲۹ هـ

بترجمه و شرح

پیشرو، آیت الله العظمی آقاسی علی محمد استیجری، مصنفی

اشارات مسجد

چهارده معصوم حلیم السلام

احوال اجتماعی و سیاسی، خطر نابود شدن و به فراموشی سپردن این فکر و این نهضت عدالت خواهی و حق پرستی هست. و این مکتب و این راه، یعنی «امامت»، یعنی «تشیع»، بکلی ممکن است فراموش شود. از طرفی، همه دستگاہهای تبلیغاتی، حکام، قضات، همه قدرتهای حاکمه، همه در دست خلافت است، و یک تن در برابر همه این قدرتها تنها مانده است. ارباب، وحشت و جنایت، همه جهان اسلام را فرا گرفته است. دعای شیعی، در چنین موقعیتی شکل می گیرد؛ به شکل یک پناهگاه و یک کمینگاه، برای حمله به دستگاهی که همه امکانات مبارزه را از مردم گرفته است. دعا به عنوان حربه مبارزه در راه حق، معنایش این است که اگر حتی مبارزه ای، فکری، و نهضت عدالت خواهی و حق طلبی به وضعی همانند کربلا دچار شد که همه مردها جز یک تن قتل عام شدند و همه زنان و فرزندان به اسارت رفتند؛ یعنی هیچ نیرو برای دفاع از این حقیقت نماند و تنها باقی ماند، آن یک تن خالی از مسئولیت نیست. هم مسئول است که روح خود را به عنوان کسی که همواره این فکر و این احساس و این خاطره و این تعهد را باید در خود زنده نگاه دارد، با دعا نگاه دارد و بپرورد، و هم به عنوان فردی که مسئولیت پاسداری و دفاع و ابلاغ این پیام و ماندن این فکر و دادن این اندیشه و احساس بر نسل آینده را دارد، باید از دعا حربه ای برای مبارزه فکری و اجتماعی بگیرد. و در این زمینه، بهترین نمونه اش صحیفه سجادیه است، و زندگی امام سجاد(ع)» [جعفری، نیایش حسین(ع)، ۱۶۹].

امام سجاد(ع) همه امکانات مبارزه را هم به صورت تدریس علوم مانند امام صادق(ع)، هم به صورت نظامی مانند علی(ع) و امام حسن، و هم حتی امکان قیامی برای شهادت را مانند امام حسین(ع) فاقدند. اما در پنهانی ترین زوایای قلبشان و همچنین در هر جمعی، با هر کسی، در هر محفلی و در هر شرایطی به نام دعا، همه اصول اعتقادی تشیع را با مؤثرترین زبان بیان می کنند، و نشان می دهند که دعا یک نوع مبارزه است.

اهداف نیایشگران و انواع پرستندگان

«از نظر اسلام، عبادت و نیایش درجاتی دارد. یک درجه اش، عبادت به خاطر طمع بهشت است. و یک درجه آن، عبادت برای ترس از جهنم است. و بالاترین آن، نه برای بهشت است و نه جهنم. در خود قرآن، به این مطلب توجه شده، و در کلمات پیغمبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع)، این قدر در این زمینه هست، که الی ماشاءالله. از همه معروفتر، جمله ای که در نهج البلاغه و در کلمات حضرت رسول(ص) و امام صادق(ع) هست» [مطهری، طهارت روح، ۱۸۷].

امام علی(ع) می فرماید: «ان قوماً عبدوا الله طمعاً فتلك عبادة التجار و ان قوماً عبدوا الله خوفاً فتلك عبادة العبيد، و ان قوماً عبدوا الله حباً فتلك عبادة الاحرار» (گروهی خدا را برای طمع بهشت عبادت می کنند. پس آن، عبادت تاجران است. و گروهی خدا را از ترس جهنم عبادت می کنند، پس آن، عبادت

عنصر فکری یعنی اینکه تمام متون دعاهاى اسلامى از اول تا آخرش، درباره خداشناسى، اصول اخلاقى، اصول اجتماعى، حقوق افراد نسبت به هم، حقوق طبقات اجتماعى نسبت به هم، بیان ایده هاى بشرى، و همچنین بیان ترس و گریز از خطرها و زشتیهای اجتماعى، فردى و اخلاقى است.

این امر، به معنای مطالبه کردن چیزی از کسی نیست، بلکه یک خواستن و به معنای اعلان نیازمندبودن و درخواست نیازها، اعلان شعارها و اعلان آرزوهاست. این جنبه دعا شاید ارزشش از نظر تکامل و تربیت، از جنبه اولش که برآوردن حاجت باشد، کمتر نیست؛ زیرا در اینجا، بیشتر بیان ایده ها، ایده آل ها، شایدها و نشایدها است تا طلب چیز بخصوصی.

۴. عنصر سیاسى و اجتماعى در دعاهاى اسلامى

عنصر سیاسى و اجتماعى، در دعاهاى اسلامى و بیشتر در دعاهاى شیعه، دیده می شود. علامه محمدتقی جعفرى در این باره تأکید می کند: «شیعه مخصوصاً از زمان امام چهارم، و امامت شیعه، بکلی از نظرها در نهایت سختی و شدت قرار می گیرد، و ظلم و ستم کاملاً بر اوضاع و احوال و سرنوشت توده مردم مسلط می شود. هیچ گونه کوششى و هیچ گونه مبارزه ای امکان ندارد. آخرین انقلاب و آخرین بسیج نیرو و فریاد اعتراض که امام حسین(ع) در برابر اوضاع زمان و قدرت حاکم بلند کرده، نابود شده و همه شهید شده اند. و از آن انقلاب و حماسه، تنها یک جوان باقی مانده است. این چهارمین امام شیعیان، امام سجاد(ع) است. هیچ گونه تلاش نظامى و سیاسى، هیچ گونه امیدی برای ادامه مبارزه نیست و اصولاً از نظر ظاهر اوضاع و

تأثیر دعا در رفع گرفتاریهای روحی و حتی جسمی، قابل انکار نیست. در کتاب اصول کافی در «باب الدعاء»، روایات متعددی در تأثیر دعا بر دردهای جسمی و روحی، نقل شده است.

امروزه، اثرات اعجازگونه دعا بر جسم و جان انسان، از نظر علمی ثابت شده است. دکتر الکسیس کارل در کتاب نیایش، با تصریح به اثرات دعا در جسم انسان، می گوید: «نویسنده (منظور خودش)، نه عارف است و نه فیلسوف. او آنچه را در دل دارد، به زبان معمول بیان می کند. این تحقیق درباره نیایش، عصاره مطالعات و بررسیهای بی شماری است که در طول یک زندگی طولانی، بر روی طبقات گوناگون به عمل آمده است. . . علاوه بر این، مطالعات جراحی فیزیولوژی و تحقیقات و آزمایشهای

بردگان است. و قوم دیگر خدا را علاقه مندانه می پرستند. پس آن، عبادت آزادگان است) [نبیح البلاغه، حکمت ۲۲۹].

رسول اکرم (ص) می فرمایند: «بهترین مردم کسی است که به پرستش و نیایش عشق بورزد». روح عبادت، همان ذکر به معنای یاد خدا، منقطع شدن و بریده شدن است؛ به طوری که در لحظه عبادت از غیر خدا بریده شود، و فقط و فقط او باشد و خدای خودش. این، همان حالتی است که عارفان از آن به «حضور» تعبیر می کنند.

هرچند عبادت برای بهشت و عبادت از ترس جهنم ارزش عبادت گروه سوم را ندارد، ولی چندان بی ارزش هم نیست. دکتر الکسیس کارل حتی برای نیایشهای سطح پایین، کلی ارزش قائل است و به تأثیر آنها در روحیه و حتی قیافه ظاهری نیایشگر تصریح می کند: «حتی وقتی که دعا تا سطح بسیار پایین تنزل می کند و به صورت بیان طوطی وار فرمولهای معینی درمی آید، تمرینی برای پیدایش یک زمینه کاملاً لازم روحی به شمار می رود، و احساس عرفانی و احساس اخلاقی را همراه با هم تقویت می کند. در چهره کسانی که به نیایش می پردازند تا حدود تقریباً ثابتی، حس و وظیفه شناسی، کمی حسد و شرارت و تا اندازه ای حس نیکی و خیرخواهی نسبت به دیگران خوانده می شود» [کارل، نیایش، ۳۰].

علامه محمد تقی جعفری پس از بیان انواع نیایشگران، پرستندگان نوع سوم را این گونه معرفی می کند: «گروه دیگری را می شناسیم که آنان نه برای برآوردن نیازمندیهای مادی در زندگانی خود، بلکه برای اینکه موقعیت وجودی خود را کاملاً تشخیص داده و از آن بهره مند گردند، رو به سوی او می آورند، و به درگاه باعظمتش نیایش می کنند. اینها بزرگترین افراد انسانی هستند، که معنای نیایش را می فهمند و حداکثر بهره برداری از آن را می نمایند. از آن طرف، عده ای دیگر هستند که سر تا پای وجود آنان، تفکرات و عمل و اراده آنان رنگ نیایش داشته، سرور و شعف آنان، تمام اندوهای مادی شان را تحت الشعاع قرار داده است. . . اینان نیایش را وسیله فرار از قانون علت و معلول، و گریز از نظم و ترتیب در جهان هستی قرار نمی دهند. بهترین تلاش را برای زندگانی مادی و معنوی انجام می دهند» [جعفری، نیایش حسینی(ع)، ۱۲].

اثرات اعجاب انگیز دعا

دعا از لوازم بندگی است. دعا رابط بین انسان و آفریدگارش است. در قرآن، عنایتی خاص به دعا شده است، و آن را تشویق می کند: «و قال ربکم ادعونی استجب لکم» [غافر/ ۶۰] (و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم).

نیایش امام حسین (ع) در صحرای عرفات

استاد علامه محمدتقی جعفری

لابراتواری درباره احیای بافتها و التیام جراحات - که روزگاری است بدان سرگرم است - به وی اجازه داده است که بعضی تأثیرات درمانی نیایش را ارجمند بداند» [کارل، نیایش، ۱۲]. در اینجا، نیایش را نباید با مرفین و مخدر همدیف دانست، زیرا نیایش در همین حال که آرامش را پدید آورده است، به طور کامل و صحیح، در فعالیت مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلآوری را تحریک می کند. نیایش تخیل پرکننده نیست، بلکه آرامشی را که می بخشد زاینده اشباع تشنگی و نیاز روح آدمی و پاسخ گفتن به کمبودهایی است که در عمق فطرت آدمی هست. نیایش بر خلاف تخیل که به مرگ و ضعف منتی می شود، نیروزا، نشاط انگیز و عامل شکفتگی احساسها، عاطفه ها و استعدادهای مرموز درون روح آدمی است.

نیایش و جهان نظامدار

بعضی از ناآشنایان به فلسفه دعا، اشکالاتی را مطرح می‌کنند، که مهمترین آنها عبارتند از [جعفری، جبر و اختیار، ۲۷۵؛ مکارم شیرازی، پیام امام، ج ۲، ۵۱۸]:

۱. نیایش و استجابات آن، مخالف نظامدار بودن جهان طبیعت است. اگر خداوند خواسته یک فرد را اجابت کند، جهان طبیعت را دگرگون کرده است.

۲. دعا با روح رضا و تسلیم در برابر اراده خداوند نمی‌سازد. ما باید تسلیم اراده او باشیم و هرچه او می‌پسندد، همان را بپسندیم.

۳. دعا یکی از عوامل تخدیر و کنده شدن چرخهای تلاش و

خدا بخواهیم. پس، به مضمون آیه: «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء» [نمل / ۶۲]، باید به هنگام اضطراب و عقیم ماندن تلاشها و کوششها، به در خانه خدا رفت و دست به دعا برداشت. بدین ترتیب، دعا عامل حرکت و تلاش تا آخرین حد تلاش است.

اما اینکه گفته می‌شود: دعا مقدرات الهی را تغییر نمی‌دهد، پاسخ این است که دعا سبب افزایش قابلیت و شایستگی انسان می‌شود. انسان نیایشگر به در خانه خدا می‌رود، دل و جان خود را به نور معرفت او صفا می‌بخشد و از گناهان خود توبه می‌کند. با این امور، چنین فردی قابلیت بیشتری برای کسب لطف پروردگار می‌یابد و مشمول عنایت تازه‌ای می‌شود، زیرا خداوند مقدر کرده است آنانی که شایسته‌ترند، بهره بیشتری از لطف و عنایت او داشته باشند [مکارم شیرازی، پیام امام، ج ۲، ۵۲۰].

استاد محمد تقی جعفری نیز در جواب این ایرادها، تأکید می‌کند: «دوام تسلط خداوند بر جریان دستگاه هستی، هیچ گونه منافاتی با سیستماتیک بودن جهان و هماهنگی پدیده‌های آن ندارد. در آن دوران که ماده و انرژی در حالت بساط بوده و این گسترش و تنوع را نداشته است، منظم و هماهنگ و سیستماتیک بوده است. و این گسترش و تنوع که با میلیاردها حوادث و جریانات همراه بوده است، باز سیستماتیک می‌باشد. ما که حقیقت جهان هستی و کیفیت و جریان آن را کاملاً نمی‌دانیم، چگونه از جنبه منطقی می‌توانیم بگوییم که استجابات نیایش، ضد هماهنگی جهان است؟ پس استجابات نیایش، در حقیقت نمودارگشتن پدیده‌ای است که خود جزء همین جهان سیستماتیک می‌باشد. نهایت این است که شرط نمودارگشتن چنین پدیده، حالت نیایش است که انسان توجه به خداوند پیدا می‌کند [جعفری، جبر و اختیار، ۲۷۶].

کوتاه سخن اینکه، دعا با آثار تربیتی فراوانش روح و جان انسان را می‌سازد، زنگار جهان ماده را از او می‌زداید و او را به ذات پاک خدا نزدیک می‌کند.



کوشش است، زیرا مردم کارهایشان را رها می‌کنند و به سراغ دعا می‌روند.

۴. ما چگونه می‌توانیم با دعا، مقدرات الهی را تغییر دهیم. اگر در علم خدا مقدر شده است که حادثه‌ای رخ دهد، با دعای ما تغییر نمی‌کند. و اگر مقدر شده است که حادثه‌ای واقع نشود، با دعای ما واقع نمی‌شود. دعا، نوعی دخالت در کار خداست. او هرچه مصلحت است، انجام می‌دهد، و نیازی به دعای ما نیست.

در پاسخ به این شبهه‌ها باید گفت که اگر مفهوم واقعی دعا و فلسفه نیایش روشن شود، جایی برای این ایرادها باقی نمی‌ماند. مفهوم صحیح دعا این است که ما باید همه تلاش و کوشش خود را انجام دهیم، و آنچه را از توانمان بیرون است، با دعا از

منابع:

۱. جعفری، محمد تقی، جبر و اختیار، تهران، انتشارات ولی عصر
۲. همو، نیایش حسین(ع) در بیابان عوفه، تهران، شرکت انتشارات، ۱۳۴۷
۳. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۹
۴. قائمی، مهدی، دعا از نظر دانشمندان، قم، انتشارات دارالفکر
۵. کارل، الکسیس، نیایش، ترجمه علی شریعتی، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد
۶. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة
۷. مطهری، مرتضی، طهارت روح، گردآورده حسین واعظی نژاد، تهران، ستاد نماز جمعه، ۱۳۷۴
۸. مکارم، ناصر و جمعی از نویسندگان، پیام امام، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۹